

## سیره تاریخی معصومین (علیهم السلام) در مواجهه با اقلیت‌های دینی

### محمد مهدی شقاقی

دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی و مبانی حقوق اسلامی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان  
ایران

### جواد پنجه پور (نویسنده مسؤل)

عضو هیات علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

panjepour@gmail.com

### احمد عابدینی

مدرس گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

## چکیده

یکی از وظایف حکومت اسلامی این است که حقوق انسان‌های تحت حاکمیت خود را به رسمیت بشناسد و اجرای آن را نهادینه سازد.

دولت اسلامی به عنوان یک دولت رحمانی از همان ابتدا حقوق مردم را تضمین کرده است. البته این مشی تا جایی قابل اجرا است که اشخاص، با اعمال و کردار خویش باعث سلب این حقوق نگردند. از آنجاکه حقوق انسان‌ها بالأخص اقلیت‌های دینی در یک جامعه و حکومت اسلامی دارای اهمیت ویژه از منظر دین می‌باشد، محققان و پژوهشگران و مورخان به روش‌های مختلفی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. پیامبر اسلام (ص) و معصومین (ع) نیز در سیره و رفتار خویش اهمیت ویژه‌ای برای اقلیت‌های دینی موجود در جامعه اسلامی قائل شده‌اند و احترام ستودنی از خود به نمایش گذاشته‌اند و همین، بدون شک می‌تواند الگوی مناسبی برای مسلمانان قرار گیرد. تاریخ رفتار پیامبر (ص) و امیرمؤمنان علی (ع) را که با اقلیت‌های دینی که در زمان حکومت و زمامداری‌شان زندگی می‌کرده‌اند، به‌خوبی ثبت و ضبط نموده است. لذا می‌توان با مشاهده رفتار و سیاست‌های حضرت رسول (ص) و حضرت امیر (ع) و معصومین علیهم السلام، این پیام اسلام را دریافت که هر فرد با اختیار خود می‌تواند هر عقیده‌ای را برگزیند. گرچه نزد خداوند متعال تنها دین، دین مبین اسلام می‌باشد.

با توجه به وجود نمونه‌های متعدّد تاریخی که گویای این واقعیت است لذا پژوهش روبه‌رو در صدد بررسی تاریخی سیره معصومین (ع) در مواجهه با اقلیت‌های دینی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** سیره، معصوم، اقلیت‌های دینی، حکومت

#### مقدمه

از ابتدای اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و به وجود آمدن جوامع اسلامی، گروه‌های از پیروان دین‌های مختلف با حفظ دین و عقاید خود در کنار مسلمانان با وجود امنیت کامل زندگی کرده‌اند و با وجود گسترش سریع دین اسلام در میان ملت‌های مختلف و پیشرفت روزافزون امت اسلام و توسعه سرزمین‌های تحت تصرف مسلمانان، اقلیت‌های دینی علی‌رغم داشتن آزادی، رشد چندانی نیافتند.

حتی می‌توان گفت عده زیادی به خاطر وجود آزادی و رفتار مناسب زعمای دین از جمله پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع) به دین اسلام گرویدند و با بررسی تاریخ، کمتر به مواردی برمی‌خوریم که اقلیت‌های دینی جهت رسیدن به حقوق خود قیام نموده و دست به مبارزه با حکومت زده باشند.

با مراجعه به آیات قرآن همچون آیه ۸ و ۹ سوره مبارکه ممتحنه او سیره امامان و روایات منقول از معصومین و همچنین تاریخ رابطه با اهل کتاب می‌توان شیوه مواجهه ی ائمه ی معصومین (علیهم السلام) با اهل کتاب را استخراج و به‌عنوان الگویی همیشگی و برتر جهت حفظ اتحاد جامعه اسلامی در مقابل دشمنان به کار گرفت.

#### گفتار اول: سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

در سیره پیامبر اسلام (ص) اقلیت‌های دینی می‌توانند ضمن رعایت شرایطی ویژه تابعیت حکومت اسلامی را اخذ و به‌صورت رسمی به امت اسلامی ملحق شوند و طی یک معاهده دوجانبه، تابعیت قراردادی کسب نمایند. این نوع تابعیت که قراردادی دوجانبه است در اصطلاح فقه اسلامی «ذمه» نامیده می‌شود و کسانی که چنین پیمانی را امضا نمایند «ذمی» نامیده می‌شوند.

۱- لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

طی چنین معاهده‌ای یهودیان و مسیحیان و مجوسیان می‌توانند شرکت نمایند و پس از امضا قرارداد تابعیت ذمه، به‌عنوان هم‌پیمانان در سراسر قلمرو حکومت اسلامی از آزادی و امنیت و حقوق اجتماعی برخوردار شوند. نمونه بارز این قرارداد اتحاد ملی، پیمان مشترکی بود که در روزهای نخست هجرت پیامبر (ص) به امضا آن حضرت رسید. ایشان با انعقاد این پیمان، قبایل متفرق مدینه را متحد و از عناصر مسلمان و یهود و عرب امت واحدی تشکیل داد. آن‌گونه پیامبر با انعقاد قرارداد صلح و سازش با اهل کتاب این روش را به‌طور عمل به اجرا گذاشتند (شدی خفاجی، ص ۱۰۷).

رسول خدا (ص) و اولیای گرامیش با راه و رسم و رفتار خود این برابری را غنیمت بخشیدند و جاودانه ساختند. (ابن سعد ۱۹۶۸)

بنابر اهمیت موضوع اقلیت‌های دینی که خود می‌تواند برکات فراوانی برای بقاء حکومت اسلامی و داشتن قدرت لازم در برابر دشمنان جهانی داشته باشد. لازم است ابعاد مختلف تاریخی و سیره حضرت رسول اکرم (ص) مورد بررسی قرار گیرد.

### **توصیه و تأکیدات قرآنی به پیامبر (ص)**

قرآن کریم پیروی از شیوه‌های رفتاری انبیای گذشته را به پیامبر اسلام (ص) توصیه می‌نماید. قَاصِرٍ كَمَا صَبَرَ الْوَلَعَزْمُ مِنَ الرُّسُلِ (احقاف، ۳۵).

پایداری کن چنانکه پیامبر اولوالعزم پایداری می‌نمودند.

وَ اِنْ يُكْذِبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ (فاطر ۴) اگر تو را تکذیب نموده‌اند پیامبران پیش از تو را نیز تکذیب نموده‌اند.

و در پاره‌ای از آیات آنجایی که مشخصات بارز پیامبر (ص) اعلام می‌گردد، ایشان را تصدیق‌کننده پیامبران و آیین و کتاب ایشان را مصدق کتاب‌ها و آیین‌های آسمانی گذشته مصرفی می‌نماید.

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ (آل عمران ۴، ۳)

خداوند قرآن را به حق بر تو نازل کرده که تصدیق کننده کتاب های پیشین است و از پیش تورات و انجیل را برای هدایت مردم فرستاد و فرقان را نازل نمود

### **احترام به شریعت و آداب و رسوم اقلیت ها**

همان طور که در روایات بیان گردیده یکی از حقوق اقلیت های دینی مستقر در حکومت اسلامی احترام به عقاید و دین آنان می باشد.

بر همین اساس آنان این حق را دارند که اعمال عبادی خویش را انجام دهند عقاید خود را حفظ نمایند. این حق توسط پیامبر اکرم (ص) با اقلیت های دینی موجود مدینه و اطراف آن گرامی داشته شد و ایشان به این موضوع احترام ویژه ای می گذاشتند.

پیامبر (ص) از همان آغاز که به مدینه مهاجرت نمودند یهود مدینه را به پیمان همزیستی مسالمت آمیز دعوت کردند و آنان و مسلمانان و کلیه هم پیمانان آنان را یک امت واحد خواندند. (ابن هشام، السیره النبویه).

حضرت رسول (ص) به یهودیان مدینه اجازه دادند در معابد خود آزادانه به عبادت بپردازند و همانگونه که اجازه تعرض آنان به مساجد مسلمانان را نمی دانند، هیچگونه اجازه دخالت و تعرض مسلمانان به معابد یهودیان را نیز نمی دادند. البته این مشروط به این بود که این اقلیت ها بر پیمان خود با پیامبر استوار باشند. حتی زمانی که گروهی از مسیحیان نجران برای بررسی تحقیق درباره اسلام به مدینه آمدند پیامبر (ص) آنان را در مسجد به حضور پذیرفت و به آنان اجازه داد در همان عبادت کنند و مسیحیان به سوی مشرق ایستادند و عبادت خویش را به جا آوردند. (سبحانی ۱۳۷ به نقل از سیره طیبی) که این معنای پذیرش حقوق اقلیت ها در عرصه دینی است. آزادی داشتن معابد نیز در اسلام پذیرفته شد و بر همین اساس به معابد اهل کتاب در جنگ های صدر اسلام هیچگونه تعرضی واقع نشده است. (ابن سعد، ۱۹۶۸).

رسول خدا (ص) در اهمیت مدارا و مصونیت ذمیان می فرماید: ( هر که به شخصی ستم کند که در پناه اسلام است و او را کم انگارد و بیش از طاقتش بر او تکلیف کند یا چیزی بدون اجازه

از او بگیرد در قیامت رسول اکرم (ص) خصمش خواهد بود) «مَنْ أَدَى ذَمِّيَا فَأَنَا خَصْمُهُ» (نجفی، ۱۹۸۱).

این گفته از قول شهید اول است که آنان حق دارند طبق شریعت خود رفتار کنند. گرچه عملشان از دیدگاه اسلام حرام باشد احدی از مسلمانان حق اعتراض به آنها را ندارند مگر آنکه به اعمال حرام تجاوز کنند. که در این صورت به حکم شریعت اسلام به آنان رفتار می‌شود. (عاملی، ۱۴۱۴) اسلام این حق را برای غیرمسلمانان قائل است که به احکام شرعی خود پاینده باشند و آنها را طبق رسوم و آیین خود انجام دهند و اینها نمونه‌های بارزی از دیدگاه متعالی دین اسلام می‌باشد که به‌عنوان یک الگوی برتر تلاش دارد همه پیروان ادیان مختلف را در زیر پرو و بال خود گرفته و زمینه جذاب آنان به دین حقیقی اسلام را فراهم و موجبات اتحاد جامعه اسلامی را پی‌ریزی نماید. از اینروست که شیخ طوسی در این باره می‌فرماید اسلام این حق را برای غیرمسلمانان قائل است که به احکام شرعی خود در مسائل ازدواج پاینده باشند هرچند آن احکام از نظر مسلمانان غلط باشد. و از این‌رو از حق ارث و وصیت و مالکیت برخوردارند (طوسی ۱۳۸۷).

در همین راستا به فتوای حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی اشاره می‌شود که در تحریر الوسیله می‌فرماید در صورتی که شرط خلاف نشده باشد آنان اجازه ترمیم بازسازی معابد خود را دارا هستند. (امام خمینی، ۱۳۷۹).

#### **اعتراف به حقانیت پیامبر (ص)**

پیامبر اکرم ص به نمایندگان و عالمان و روحانیون و طوایف غیرمسلمانی که به مدینه می‌آمدند احترام می‌گذاشتند و با ایشان به روش استدلال و برهان گفت‌وگو می‌کردند و تلاش می‌نمودند واقعیت‌های دین مبین اسلام را به آنان منتقل نمایند و در مقابل به تمام انتقادات و اشکالات که از سوی آنان مطرح می‌گردید پاسخ منطقی می‌دادند.

#### **پذیرفتن سوگند اقلیت‌ها**

منقول است پیامبر ص به غیرمسلمانان هم از بیت‌المال کمک می‌کردند. چنانچه عبد الله بن سهل از طرف حضرت (ص) مأمور جمع‌آوری سهم از محصولات خبیر بود. در همین ایام جسد او را در مزارع یافتند. این خبر به پیامبر رسیده جریان را پیگیری کردند،

اولیای دم هم از قاتل هیچ خبری نداشتند و تنها حدس هایی می زدند. پیامبر به سران یهود نامه نوشتند که جسد مسلمانی در سرزمین شما پیدا شده باید دیه آن را بپردازید. در پاسخ آنان قسم یاد کردند که در کشتن او هیچ نقشی نداشته ایم. پیامبر (ص) بر آن آنان سخت نگرفت و دستور داد دیه مقتول از بیت المال مسلمانان پرداخت گردد. (ابن هشام، پیشین)

#### رعایت عدالت پیامبر با اقلیت ها

پیامبر اسلام در منشور جاودانه خود فرمود: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كَلُّكُمْ لِأَدَمَ وَ أَدَمٌ مِنْ تَرَابٍ. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجْمِي وَ لَ لَأَحْمَرِ عَلَى أَيْضٍ وَ لَ لَأَبْيَضِ عَلَى أَحْمَرَ فَضْلٌ إِنْ التَّقْوَى .

این گفتار البته ناظر به آیات قرآن کریم است که همه ی گونه های انسان، با هر نوع نژاد و خصوصیت مادی و معنویت آفریده شده را از دو انسان مرد و زن می داند. الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً (نساء آیه ۱)

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده که روزی از مقابل ما جنازه ای عبور داده شد. در این هنگام حضرت رسول (ص) قیام کردند و ما نیز به پا خواستیم. آنگاه به حضرت عرض کردیم یا رسول الله (ص) این جنازه مربوط به شخص یهودی است. حضرت در پاسخ فرمودند: هر جنازه ای را دیدید قیام کنید و به پا خیزید. (نجاری ص ۲۲۸). و یا آنجایی که پیامبر اکرم (ص) برای احوال پرسی و عیادت بیماران آنان به بالینشان می رفتند و در تشییع جنازه مردان آنان حضور می یافتند تا آنجا که در مرگ عبدالله ابن اُبی، که از سوی یهودیان برگزار شده بود شرکت کردند و به یهودیان و فرزندان وی تسلیت گفتند. (همید زنجانی، ۱۳۷۰).

#### پیامبر و رعایت حقوق قضایی اقلیت ها

حقوق برگرفته از عدالت قضایی برای اقلیت های دینی ساکن در مدینه النبی توسط حضرت رسول (ص) مورد توجه قرار گرفت و این قشر بارها برای حل اختلافات خود به حضرت مراجعه می کردند.

البته برخی از این مراجعات، جنبه حق طلبی نداشت و صرفاً برای کسب منفعت در حکم مرتکب ظلم به دیگران می‌شدند لذا حضرت از جانب خداوند مأمور بودند تا در صورت تشخیص به دعاوی آنان رسیدگی نمایند و در این امر مخیر بودند نه مجبور و مکلف. فَأَنْ جَاءُوكَ فَأَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرَضْ عَنْهُمْ فَلَنْ تَضُرَّوْكَ شَيْئاً. (پس اگر نزد تو آمدند بین آنها حکم کن و یا از آنان اعراض نما و اگر اعراض نمودی هرگز زیانی به تو نخواهد رسید) (مائده ۳۳)

حضرت رسول (ص) در رسیدگی به دعاوی در اعطای حق به ذی حق هیچ‌گونه تبعیضی روا نمی‌داشتند و در واقع بین عرب و غیر عرب تفاوتی قائل نمی‌شدند و در سیره عمل خویش همگی را در برابر قانون مساوی می‌دانستند. البته لازمه تحقق عدالت در جامعه که موجب بقا جامعه اسلامی است و مانع از انحطاط آن می‌گردد، برخورد یکسان با همه افراد ساکن در جامعه است تا در صورتی که به محاکم اسلامی مراجعه نمودند با اطمینان خاطر از عدم تبعیض و اجرای مساوات دعاوی خویش را مطرح نموده و از صدور حکم تبعیت نمایند. (فَأَذَا حَكْمٌ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ). اگر بین آنها حکم کردی به عدالت حکم کن (مائده ۳۲).

بعضی از مفسران نقل کرده‌اند که یهود مدینه برای اجرای حکم فرد زناکاری که از اشراف بود نزد پیامبر آوردند تا ایشان حکمی دیگر صادر نمایند که به نفع آنها باشد. لکن ایشان همان حکم قبلی را تأیید نمودند. در حالی عالمان یهود می‌خواستند به دلیل اشراف زادگی فرد، حکم الهی را تغییر دهند. پیامبر آن را نزد عالم‌ترین فرد یهود بود و وی را قسم دار تا حکم الهی که در تورات آمده را بیان کند و او نیز همان حکم پیامبر را بیان نمود و چنین فرمود: این را ما در مورد اشراف اجرا نمی‌کنیم و به همین خاطر زنا در بین اشراف ما زیاد است. (طباطبایی ۱۳۹۱).

### ایجاد حریم امن برای اقلیت‌ها

حق آرامش و امنیت خاطر یکی از مهم‌ترین حقوقی است که لازم است اقلیت‌ها از آن برخوردار باشند. این حق از ناآرامی و جنگ و خونریزی و اضطراب و دلهره در جامعه اسلامی جلوگیری می‌نماید. پیامبر اسلام ص حین انعقاد قرارداد و پیمان با یهودیان و دیگر ساکنان مدینه

تأکید فرمودند که داخل شهر مدینه محلی امن برای آنان خواهد بود و همگی ملزم به رعایت حقوق یکدیگر می‌باشند و هیچ‌کس حق تعرض به ایشان را ندارد. یعنی می‌توان گفت پیامبر جایگاه ویژه‌ای برای اقلیت‌های دینی در جامعه اسلامی قائل بوده‌اند. زیرا حتی جنگ با آنان در صورتی که تمایل به همزیستی با مسلمانان را داشته باشند ممنوع است. (ابن هشام، پیشین). بدین روی هر نوع تعرض به آزادی آنان ممنوع است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند هر که به شخصی که در پناه اسلام است ظلم کند و او را کم انگارد و بیش از طاقتش بر او تکلیف کند یا چیزی بدون اجازه از او بگیرد در قیامت من خصم او خواهم بود. (ابن کثیر، ۱۴۰۹ هـ).

#### **گفتار دوم: سیره امیرالمؤمنین علیه السلام**

حقوق اقلیت‌ها از دیدگاه امام علی (ع) را می‌توان با مطالعه آثار ماندگار امام در متون اسلامی و نیز سیره سیاسی آن پیشوای بزرگ مورد بررسی قرارداد. هرچند توصیه‌های امام در مورد اقلیت‌های دینی نیز از مبنای وحی و سیره سیاسی پیامبر اسلام ریشه گرفته، لیکن این توصیه‌ها مانند دیگر توضیحات عمیق آن امام (ع)، تفسیر گویا از تعالیم اسلام محسوب می‌گردد که موجب بینش وسیع در اسلام می‌شود.

اقلیت‌های دینی متعدد در دیدگاه امام بیگانه محسوب نمی‌شدند و آنان از اختیاری که در تعیین حقوق خود ندارند شناخته نمی‌شوند. هر فرد با قبول اسلام به تابعیت جامعه اسلامی پذیرفته می‌شود و به عضویت امت اسلامی درمی‌آید. و از این منظر امتیازها و اختیارات مادی و صوری از بین می‌رود و همگی پاسخ‌گوی جامعه اسلامی محسوب می‌شوند. لذا قرآن کلمه امت را به کار برده و جامعه اسلامی را امت واحده خوانده است. **انَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ** (آل عمران، ۱۱۰)

#### **مهربانی امام (ع) با اقلیتها**

مطلق گویی در روابط دوستانه یا خصمانه ادیان و پیروان آنان که در تاریخ به قرن های متمادی باز می‌گردد نارواست و نباید با استناد به چند حادثه یا گفتار، چهره اقلیت ها را مخدوش



نمود. به قول امیر مومنان در نهج البلاغه، هیچ نوع عواطف و الطافی را که در خلال تعهدات خود نسبت به اقلیت ها پذیرفته اید اندک نشمارید و هرچند این عواطف ناچیز باشد مهم است هرگز ذمه خود را معذور ندارید و به تعهدات خویش خیانت نورزید. (نهج البلاغه، خطبه مالک ۵۳)

در دوران فرمانروایی امام علی (ع) حضرت در راه خود به سوی کوفه با مردی از اقلیت های دینی برخورد کردند و از آنجا که قسمتی از مسیر هر دو مشترک بود، توافق کردند که در مسیر مشترک با یکدیگر همراه شوند. راه به زودی به گفتگو و مصاحبت دوستانه گذشت و به دو راهی رسیدند. لکن علی (ع) راه خود را به سوی مصاحبتش تغییر داد و او را همراهی کرد زیرا به گفته مقتدایش حضرت رسول (ص) همراهی با فرد حقی بر گردن مصاحب می آورد که باید آن را همراهی کرد. (کلینی، ۱۳۸۸)

مرد با شگفتی تمام پرسید مگر قصد شما کوفه نبود؟ امام با مهربانی پاسخ فرمود چرا. سپس گفت پس چرا از این مسیر می آیی؟ امیر مومنان فرمودند هر گاه دو نفر در یم راه مصاحبت کنند حقی بر یکدیگر پیدا میکنند. اکنون تو حقی بر من پیدا کردی. می خواهم قدری تو را مشایع تموده سپس راه خود را خواهم رفت.

وقتی برای مرد معلوم شد همسفرش خلیفه مسلمین علی بن ابیطالب است تعجب و تخسینش به نهایت رسید. تحولی که مشاهده این ماجرا در عمق دل و اندیشه و عواطف وی به وجود آورد موجب شد که شمار افراد مومن و فداکار علی (ع) قرار گرفت. (کلینی، پیشین)

امام بر آن است تا با سیره خود لزوم احسان و رعایت احترام به اقلیت ها را به افراد جامع یاد آوری نماید. چنانچه در نامه اش پس از آن که با بیان (واشعر قلبک الرّحمة للرّعیة) به کارگزاران تأکید می نماید با مهر و عطوفت با رعیت باش می فرماید (فَأَنْتُمْ صِيفَانٌ أَمَا لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرُكَ فِي الْخَلْقِ) یعنی منظور از رعیت همه مردم است. مسلمانان و غیرمسلمان ایشان عمر بن ابی سلمه فخری استاندارد خود در فارس و بحرین را هم در نامه ای به دلیل بدرفتاری با ساکنان غیرمسلمان آن دیار و سخت گیری بر آنان به گفته برخی زرتشتی بودند سرزنش و به وی توصیه می کند که اعتدال را پیش گیرد. (حسن زاده آملی ۱۳۶۴) نه آنچنان داداگی می کند که غیرمسلمان در این و حکومت وی طمع کند و از ادای حقوق واجب خود سرباز زند و نه آن

اندازه درشتی کند که از وی دور شوند و همدلی میان حاکم و رعیت از بین برود. (نهج البلاغه نامه ۱۹) این سخنان نشان دهنده حرمت غیرمسلمان در نگاه یک حاکم اسلامی است. در این نامه به زرتشتی بودن مردم فارس و نام عامل استاندار آن اشاره نشد اما پی جوی این مسأله در منابع دیگر این نکات را نشان می‌دهد (ذاکری، ۱۳۸۷).

### احترام به حقوق مدنی اقلیت‌ها

در دوران خلافت علی (ع) هنگامی که حضرت پیرمرد از کار افتاده نابینایی را می‌بیند که از مردم تقاضای کمک می‌کند بی‌درنگ از حال وی جويا شد و با تعجب پرسید و ماهذا؟ و این استفهامی انکاری از اصل ماجرا است یعنی چرا باید انسان در حکومت علی (ع) از بینوایی به گدایی افتد و آنگاه که کارگزارانش برای رفع مسئولیت از خود گفتند او نصرانی است امام (ع) پرسید آیا در جوانی کار می‌کرده است؟ چون جواب مثبت بود چهره در هم کشید: چرا از کسی که در جوانی کار می‌کرده در پیری حمایت نمی‌کنید؟ مقررری از بیت‌المال برای او مهیا سازید. (حر عاملی، ۱۳۸۴).

لذا با توجه به این دستور از حضرت (ع) می‌توان دریافت اقلیت‌های دینی هم مانند سایر مسلمانان ساکن در بلاد اسلامی و تحت حاکمیت اسلام در زمره کسانی هستند که طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی مشارکت مردم یا بیت‌المال، افراد محروم و ناتوان را حمایت مالی نموده و خدمات مربوطه را شامل حال آنان نمایند و زندگانی آنان را تأمین کنند.

امام علی (ع) به رعایت حقوق مدنی اقلیتها ی دینی نگاه ویژه داشتند نا اینکهدر جایی با شنیدن تعدی عمال معاویه به خطوط مرزی حکومتش فریاد زدند که گفته میشود مهاجمان و دژخیمان به مردم حمله ور شده اند و احیانا به زنان مسلمان و زنان هم میپمان متعرض شده اند. (نهج البلاغه خطبه ۲۷)

همچنین در ماجرای گم شدن زره امام (ع) مشاهده میشود که حضرت خود را نلزم مینماید تا مساوات در محاکم را رعایت نمودهو پس از حضور در محکمنخ که به خاطر دادخواهی از یک

سینی حامل زره حضرت، با توجه ویژه و تجلیل قاضی مواجه شدند آن را تبعیض قلمداد و به قاضی اعتراض نمود و فرمود مسیحی بودن متهم، دلیل مشروعیت تبعیض و در نگاه و کلام قاضی نمی باشد. لذا هنگامی که قاضی از مدعی مطالبه دلیل و شاهد نمود امام شاهی به دادگاه ارائه نمود، قاضی بی درنگ به نفع متهم رای صادر نمود و امام را ذی حق نشمرد. رعایت اینگونه عدالت توسط شخصی که می توانست بدون مراجعه به محکمه زره خویش را از متهم بگیرد وی را بر آن داشت که به پیدا کردن زره اعتراف نموده و آن را به علی (ع) باز گرداند و به اسلام مفتخر شد. (مجلسی، ۱۴۰۴)

اوج عدالت قضایی و مساوات و نگاه ژرف امیر مؤمنان به برابری مسلمان و هم پیمان در جامعه اسلامی تحت حکومت الهی را میتوان در سخن ایشان یافت که در ماجرای زره فرمود: اگر بالشی بگذارند که بر آن بنشینم، در میان پیروان تورات با توراتشان و در میان پیروان انجیل با انجیلشان و در میان اهل قرآن با قرآنشان چنان محکم داوری کنم تا از اهل هر کتابی بانگی برآید که: «علی راست می گوید». (جرdaq، ۱۳۷۹)

قرآن نیز با صراحت تمام این موضوع را به رسمیت شناخته است. (مائده ۴۲) و آنگاه که در بین اقلیتها به قضاوت می پردازید رعایت عدالت و انصاف افراد لازم است.

### سیره امام (ع) عدالت اجتماعی

در سیره علی (ع)، حضرت مأمور گشته تا به احتیاجات مردم اعم از مسلمانان و ذمی رسیدگی کند لذا مالک را مورد خطاب قرار می دهد «خدا را خدا را در خصوص مستمندان و رعایا» (نهج البلاغه نامه ۵۳).

امام عدالت را به چشم قانونی فراگیر و سنتی تغییرناپذیر در جهان خلقت می گیرد و آن را در اجتماعات بشری و نظام تشریع ضرورتی تخلفناپذیر می داند. و بر ضرورت هماهنگی دو نظام تکوین و تشریع تأکیدهایی اصولی دارد. تا آنجا که مذهب و مکتب او، مکتب عدل و عدالت شناخته شده است (حکیمی ۱۳۸۳). او در این باب حتی به محمد بن ابوبکر (ابن ابی الحدید ۱۳۸۶). معقل بن قیس (جرdaq، ۱۳۹۷)، مالک و دیگر کارگزارانش توصیه اقلیتها را می نماید:

عدالت را به اهل ذمه اجرا کن به مظلوم حق بده و به ستمگر سخت بگیر (نهج البلاغه نامه ۵۳). ایشان بر پایه اصل عدالت پایه‌های سیاست را مورد ارزیابی قرار می‌داد. مشاور سیاسی حضرت به نام ابن عباس نقل می‌کند که چگونه امام در هنگام وصله زدن به نعلینشان ارزش آن کار را به حکومت بر مردم بیشتر دانستند مگر در صورتی که حقی را بر پا و یا باطلی را براندازد (همان) و این یعنی حکومت برای امام تنها در صورت اجرای عدالت یک تکلیف الزامیست. طبق گزارشی دیگر، والی امام در مصر درباره مرد مسلمان از ایشان سؤال کرد باز زنی مسیحی زنا کرده بود و امام (ع) دستور دادند که مرد مسلمان حد جاری شود و زن مسیحی به مسیحیان واگذار شود تا آنان خود حکم را اجرا کنند. (حر عاملی، ۱۳۸۴).

#### **وفای به پیمان**

از جمله سفارش‌های مکرر حضرت امیر مؤمنان به مالک اشتر وفا کردن به عهد و پیمان بوده است که خود برگرفته از دستورات خداوند در قرآن است. حضرت وفای به عهد حتی در پیمان با دشمن را لازم و ضروری می‌داند. در نگاه امیر مؤمنان اقلیت‌های دینی افرادی با اختیار در تعیین حقوق و سرنوشت خود نیستند و تابعیت ذمیان را بر مبنای اختیار و اراده و آزادی عقیده ایشان استوار می‌دانند از باقی ماندن بر پیمان با هم‌پیمانان را همواره مورد تأیید قرار داده و در نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرماید هیچ نوع عواطف و الطافی را که در خلال تعهدات خود نسبت به اقلیت‌ها پذیرفته‌اید اندک شمارید هرگز ذمه خود را معذور ندارید و به تعهدات خویش خیانت نورزید. امام حتی در جنگ‌ها نیز سفارش می‌کرد تا به هم‌پیمانان ستم نشود (یعقوبی، ۱۳۸۵).

#### **رعایت آزادی عقیده برای پیروان ادیان**

قرآن ناطق به تبعیت از قرآن کریم و آنچه از قانون آزادی عقیده و بیان بر حضرت ختمی مرتبت نازل گشته بود، تماماً حق دیگر پیروان آیین‌ها را رعایت می‌نمود و به به مجریان حکومتی خود تذکر می‌دادند. چراکه پیامبر اکرم (ص) در نامه ای به اسقف های نجران فرمود:

هیچ اسقفی از مقام خود و هیچ راهبی از شان خود و هیچ کاهنی برکنر نخواهد شد (ابن سعد،

۱۴۰۵).

لذا امیر مومنان (ع) بر همین مبنا اجازه دادند پیشوای زرتشتیان که عرب وی را امام مجوسان می‌خواند در جایگاهش باقی بماند (بویس، ۱۳۸۵). ایشان سفارش پیروان دیگر آیین‌ها را به مالک می‌کردند و خود در ۵ سال حکومتشان به آزادی آنان در فعالیت‌های مذهبی‌شان تاکید فرمودند (عمید زنجانی، ۱۳۷۰). البته مطابق فرازهایی دیگر از بیانات امام، آزادی آنان در فعالیت‌های مذهبی، به تبلیغ شدن دین مذهب اهل ذمه میان مسلمانان متوسط بود. (حسینی، ۱۳۹۳)

امام در حکومت خود برای مخالفان دینی و سیاسی خود حق دیگری را نیز مفروض می‌داشت و آن را به کارگزاران سفارش می‌کرد. امام علی (ع) از کسی که به فردی امان دهد و بگوید که خونش را نمی‌ریزد و سپس عهد خود را بشکنند بیزاری جسته است. هرچند جایگاه مقتول آتش باشد (حر عاملی، ۱۳۸۴). بر همین اساس دستور می‌دهند کسی حق ندارد به جان و مال دیگر پیروان ادیان هیچ‌گونه توقعی داشته باشد. «همانند گرگ نباش که خوردن گوشت رعیت خود را غنیمت شمرد» (نهج البلاغه نامه ۵۳)

برای دریافت ارزش آبروی معاهد و هم پیمان و اینکه آبروی اهل کتاب با آبروی مسلمان برابری می‌کند و هر دو محترم است این خطبه از نهج البلاغه را مرور می‌کنیم. با شنیدن خبر هجوم سپاه معاویه به انبار درحالی‌که عبایش بر زمین کشیده می‌شد به منبر رفت و فرمود: (به من خبر رسیده که یکی از آنان به خانه زن مسلمان و زن غیرمسلمان که در پناه اسلام جان و مالش محفوظ بوده وارد شده و خلخال و دست بند و گردن‌بند و گوشواره‌های آنان را از تنشان بیرون آورده درحالی‌که هیچ وسیله‌ای برای دفاع جز گریه و التماس نداشته اند. اگر به خاطر این حادثه مسلمانی از تأسف بمیرد ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است (نهج البلاغه خطبه ۲۷). امام علی (ع) به مصونیت مالی ذمیان توجه داشتند و فرمودند در صورت تجاوز به اموال اهل ذمه قانون ضمان را جاری خواهند کرده چنان چه در نامه‌ای به کارگزاران خراجی خود نوشتند «به هنگام گرفتن خراج از بدهکار لباس تابستان و زمستانی و چهارپایانی که با آن به کارهایش می‌رسد و نیز برده‌اش را به فروش نرسانید و نیز برای درهمی کسی را تازیانه نزنید .

همچنین برای جمع‌آوری خراج به مال احدی چه مسلم و ذمی دست نزنید مگر اسب یا سلاحی باشد که برای تجاوز به مسلمانان به کار گرفته می‌شود. (همان، نامه ۵۱) ابویوسف کوفی می‌گوید «هرگاه مالیات منطقه‌ای را برای ما می‌آورند نمایندگان مردم را فرامی‌خواند و آن‌ها را بر خراج گیران گواه می‌گرفت که آن را با ستم کردن به احدی از مسلمانان و اهل ذمه جمع نکرده‌اند) (ابویوسف قاضی، ۱۳۹۹).

از نظر امام (ع) اهل ذمه حق دارند در سرزمین‌های اسلامی کار کنند بدون آن‌که بتوان ایشان را به کاری اجبار کرد.

یکی از آزادی‌های در نظر گرفته‌شده از جانب حکومت اسلامی برای هم‌پیمانان و ذمیان معاهد، آزادی در برگزاری مراسم و شعائر مذهبی است. این از جمله آزادی‌هایی است که نگاه ژرف اسلام به برابری مسلمانان و هم‌پیمانان را نشان می‌دهد.

بر اساس قانون اسلام، هم‌پیمانان می‌توانند در مراسم و آداب مذهبی خود آزادی کامل داشته باشند و می‌توانند به شریعت خود ازدواج کنند و این قشر از جامعه که هم‌پیمان مسلمانان هستند از آزادی کامل جهت برگزاری و اسم شعائر مذهبی مخصوص خود برخوردارند و می‌توانند با امنیت کامل بدون هرگونه توضیحی در اماکن معابد خود مراسم را برگزار نمایند. البته محدودیت‌هایی در قرارداد فی‌مابین پیش‌بینی شده که جای خود دارد. بدیهی است در برخی از شعائر دینی ممکن است محدودیت‌هایی طبق قرارداد مشترک پیش‌بینی شود. مراجعه به سیره عمل پیشوایان مذهبی به‌خصوص دوران پنج‌ساله حکومت امیر مؤمنان (ع) به‌خوبی نمایانگر این وضعیت است (عمید زنجانی، ۱۳۷۰).

روی باز امیر مؤمنان و جاذبه ایشان در تاریخ در مواجهه با اقلیت‌ها و بزرگان آنان مثال‌زدنی است. ایشان در موارد زیادی با منطق و مقام معنوی و عمل خود سلسله مباحث منطقی با افرادی که جهت مجادله با حضرت نزد ایشان مشرف می‌شدند مطرح و آن‌ها را به دین مبین اسلام اقناع می‌کردند.

همچنان که در عصر سایر پیشوایان مذهبی نیز دانشمندان و روحانیون بزرگ اهل کتاب رسماً با ائمه اهل بیت (ع) به گفت‌وگو می‌پرداختند و چه بسیار جلسات رسمی با حضور خلفای وقت و بزرگان و شخصیت‌های مذاهب مختلف به همین منظور تشکیل می‌گردید و پیشوایان اسلام شخصاً در بحث با بزرگان مذهبی یهودیان و مسیحیان شرکت می‌کردند در بعضی موارد یکی از یاران خود را برای این‌گونه بحث‌ها مأمور می‌نمودند (ابن هشام، ۱۴۲۴ق).

### **رعایت حق دادوستد و آزادی اقتصادی اقلیت‌ها**

یکی از اصول مربوط به اقلیت‌ها که در سیره امام (ع) به آن اشاره شد، حق انجام کارهای اقتصادی می‌باشد. اموال اهل ذمه همانند جان آنان محفوظ بوده و از این رو مالکیت آن‌ها به رسمیت شناخته شده است. هرگونه تصرفی در اموال اقلیت‌ها بدون اجازه آنان جایز نمی‌باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۷۰)

به‌طور کلی در دین اسلام به‌جز جزیه مالکیت دیگری به ذمیان واجب نکرده است. در گرفتن جزیه نیز به تفاوت‌ها توجه کرده است. فقیران بچه‌های زنان، بزرگان، پیرمردان، کهنسالان را مدنظر قرارداد و در برابر تجاوز به اموال اهل ذمه، قانون ضمانت را به رسمیت شناخته است (شندی جفاجی، ۱۳۷۸) علی (ع) روابط آزاد اقتصادی با اهل ذمه را تضمین و تأیید می‌کند. آنگاه که خود در کشاورزی اجیرشان می‌کند. او در روابط اقتصادی نیز فرقی بین ذمیان و مسلمانان قائل نمی‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۷۰)

آنان (اقلیت‌های دینی) حق کار در سرزمین‌های اسلامی را دارا هستند و می‌توانند به کمک مسلمانان آمده و آن‌ها را در امور اقتصادی یاری کنند تا اقتصاد جامعه اسلامی محکم و درون‌زا بتواند روی پای خود بایستد و محتاج و وابسته به غیر نگردد. شیخ حر عاملی در این باره می‌گویند (اقلیت‌ها حق کار در سرزمین‌های اسلامی را دارند ولی نمی‌توان آن‌ها را به کار معین اجبار کرد. دولت اسلامی هم موظف به رسیدگی به فقیران اهل ذمه است. از این روی که حضرت علی (ع) در مورد پیرمرد مسیحی چنین دستور دادند (شیخ حر عاملی، ۱۳۸۴)

لذا پیروان مذاهب غیر اسلامی می‌توانند طبق مقررات مذهب خود فعالیت بازرگانی و اقتصادی در داشته باشند. البته در برخی از عهدنامه‌های پیامبر موضوع رباخواری در روابط تجاری

ممنوع اعلام شده و این جزئی از برنامه جدی اسلام در مبارزه با رباخوار است که خود بحث جداگانه‌ای دارد (همان) این موضوع سیره عملی امیر مؤمنان است که با تأسی از پیامبر اکرم (ص) نهاده‌ی گشته آنجا که پیامبر خود بدین صورت موجبات اتحاد را در جامعه اسلامی فراهم می‌آوردند. روش عمل پیامبر نمونه بارز این روابط می‌باشد. پیامبر (ص) با یهودیان مدینه دادوستد می‌کردند و از آن‌ها وام می‌گرفتند. (عمید زنجانی، ۱۳۷۰).

#### ۷-۱ اصل انصاف در کلام حضرت امیر مؤمنان (ع)

بین خدا و مردم از یک طرف و خویشتن و خواص دودمانت و هر که از مردم جامعه که تمایلی به او داری از طرف دیگر، انصاف داشته باش (انصف الله و انصف الناس من نفسک و من خاصته اهلک) چرا که جایگاه انصاف از جایگاه حقوق بسی بالاتر و مهم را به دست چرا که می‌توان حرکت به سمت قرارداد ذمه را سخت و حاشیه‌دار توصیف نمود که البته با این اصل انصاف می‌شود امیدوار بود بسیاری از حواشی اجرای این قانون کاسته شود. عجیب آنکه حضرت امیر (ع) عدم اجرای انصاف را مساوی با ظلم تلقی نمود ستم کردن به مخلوقات را خصومت و دشمنی الهی به همراه خواهد داشت و این حالت می‌تواند منجر به مجاربه با خداوند شود (وکان الله حرباً حتی نزع او یتوب) چنین وضعیتی در هیچ یک از اسناد و حقوق بشر که با فریاد بلند اجرای بدون تبعیض احکام و حقوق را اعلام می‌کند وجود ندارد (پاتریک ترنبری، ۱۳۷۹).

البته با توجه به اصل ۲۲ قانون اساسی که می‌گوید: حیثیت جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند و همچنین با توجه به اینکه از وظایف حکومت اسلامی حفظ امنیت جامعه و اقشار مختلف آن می‌باشد و این خود برگرفته از سیره‌ی مذکور پیامبر امیر مؤمنان (ع) است. لکن این حقوق دو طرفه و به قول حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله، این حق نیز همانند سایر حقوق حدودی دارد که اولاً کاری علیه امنیت دولت اسلامی مرتکب نشوند و دوماً تظاهر و تجاهر به منکر در کشورهای اسلامی نداشته باشند و سوماً ایمکه جاسوسی، پناه دادن به دزدی، زنا نداشته باشند و به مسلمانان آزار نرسانند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹).



## گفتار سوم: سیره امام باقر و امام رضا علیهما السلام

### سیره امام باقر (ع)

با توجه به شرایط زمانی امام باقر (ع) و پیشنازی ایشان در شکافتن علوم و رواج زمینه های علمی، حضرت گفتگوی علمی با سایر ادیان را با زبانی نرم در دستور کار خود قرار دادند که در اینجا به یک مورد آن اشاره میگردد.

در سفر اجباری امام باقر (ع) به شام پیش از آنکه پیشوای پنجم شهر دمشق را ترک گوید، فرصت بسیار مناسبی پیش آمد که امام برای بیدار ساختن افکار مردم و معرفی عظمت و مقام علمی خود بخوبی از آن استفاده نمود و افکار عمومی شام را منقلب ساخت. ماجرا از این قرار بود: هشام دستاویز مهمی برای جسارت بیشتر به پیشگاه امام پنجم (ع) در دست نداشت، ناگزیر با مراجعت آن حضرت به مدینه موافقت کرد. هنگامی که امام ع همراه فرزند گرامی خود از قصر خلافت خارج شدند، در انتهای میدان مقابل قصر با جمعیت انبوهی روبرو گردید که همه نشسته بودند. امام از وضع آنان و علت اجتماعشان جويا شد. گفتند: اینها کشیشان و راهبان مسیحی هستند که در مجمع بزرگ سالیانه خود گردآمده اند و طبق برنامه همه ساله منتظر اسقف بزرگ می باشند تا مشکلات علمی خود را از او بپرسند. امام (ع) به میان جمعیت تشریف برده و به طور ناشناس در آن مجمع بزرگ شرکت فرمود. این خبر فوراً به هشام گزارش داده شد. هشام افرادی را مامور کرد تا در انجمن مزبور شرکت نموده از نزدیک ناظر جریان باشند. طولی نکشید اسقف بزرگ که فوق العاده پیر و سال خورده بود، وارد شد و با شکوه و احترام فراوان، در صدر مجلس قرار گرفت. آن گاه نگاهی به جمعیت انداخت، و چون سیمای امام باقرع توجه وی را به خود جلب نمود، رو به امام کرد و پرسید: از ما مسیحیان هستید یا از مسلمانان؟ امام ع فرمودند از مسلمانان. اسقف پرسید: از دانشمندان آنان هستید یا افراد نادان؟ امام فرمودند، از افراد نادان نیستم. اسقف پرسید اول من سوال کنم یا شما می پرسید؟ امام فرمودند اگر مایلید شما سوال کنید. اسقف پرسید به چه دلیل شما مسلمانان ادعا می کنید که اهل بهشت غذا می خورند و می آشامند ولی مدفوعی ندارند؟ آیا برای این موضوع، نمونه و نظیر روشنی در این جهان وجود

دارد؟ امام (ع) فرمودند بلی، نمونه روشن آن در این جهان جنین است که در رحم مادر تغذیه می کند ولی مدفوعی ندارد. عجب، پس شما گفتید از دانشمندان نیستید؟ من چنین نگفتم، بلکه گفتم از نادانان نیستم. سوال دیگری دارم. بفرمایید. به چه دلیل عقیده دارید که میوه ها و نعمت های بهشتی کم نمی شود و هر چه از آنها مصرف شود، باز به حال خود باقی بوده کاهش پیدا نمی کنند؟ آیا نمونه روشنی از پدیده های این جهان را می توان برای این موضوع ذکر کرد؟ آری، نمونه روشن آن در عالم محسوسات آتش است. شما اگر از شعله چراغی صدها چراغ روشن کنید، شعله چراغ اول به جای خود باقی است و از آن به هیچ وجه کاسته نمی شود. اسقف هر سوال و مشکلی به نظرش می رسید، همه را پرسید و جواب قانع کننده شنید و چون خود را عاجز یافت، بشدت ناراحت و عصبانی شد و گفت: مردم، دانشمند والا مقامی را که مراتب اطلاعات و معلومات مذهبی او از من بیشتر است، به اینجا آورده اید تا مرا رسوا سازد و مسلمانان بدانند پیشوایان آنان از ما برتر و بهترند. به خدا سوگند دیگر با شما سخن نخواهم گفت و اگر تا سال دیگر زنده ماندم، مرا در میان خود نخواهید دید. این را گفت و از جا برخاست و بیرون رفت (سیره پیشوایان، ۱۳۹۰)

#### سیره امام رضا (ع)

دوران زندگی امام رضا (ع) را با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خاص ایشان می توان عصر ظهور و بروز ادیان و فرقه ها نام گذاری کرد، که هر کدام از این فرقه ها در مسیر تثبیت باور های خود حرکت می کردند، امام رضا (ع) به عنوان یگانه دوران خویش (کلینی، ۱۳۸۸) با بهترین شیوه به مواجهه با ادیان غیر اسلامی پرداخته، علاوه بر شناسایی اندیشه های دیگران با رعایت آداب گفتگو و انصاف و عدالت و به دور از هر گونه تعصب، رعایت حقوق عمومی و غیره آنها را به دین حق دعوت می کردند. امام رضا (ع) گامی موثر برای رفع اختلافات و آشکار ساختن نواقص موجود در ادیان تحریف شده و اثبات حقانیت دین اسلام برداشته و به شیوه مناظره با رعایت اصل مدارای اجتماعی و تحمل دیگران در صدد اقناع آنها بر آمدند. اثبات حقانیت دین اسلام به شیوه مناظره با رعایت اصل مدارای اجتماعی و تحمل دیگران، از مبانی امام رضاع در برخورد با پیروان سایر ادیان بود.

یکی از مبانی امام رضا (ع) داشتن شناخت منطقی است که عبارت از درک اصول و قوانین درست اندیشیدن در مواجهه با سایر ادیان بود. چنانکه در مناظره با جاثلیق، مامون، امام رضا (ع) را به او معرفی کرده و گفت: این بزرگوار پسر عمویم علی بن موسی بن جعفر و از فرزندان فاطمه دختر پیغمبر ما و از نوادگان علی بن ابیطالب صلوات الله علیهم اجمعین است می خواهم با او گفتگو کنی و متوجه باشی و رعایت انصاف را از هر جهت نسبت به وی بنمایی. جاثلیق در پاسخ گفت: چگونه با شخصی به گفتگو پردازم که ادله خود را بر پایه کتابی استوار می سازد که من آن را قبول ندارم و بیاناتی از پیغمبری اظهار می کند که من ایمان به او ندارم. حضرت رضا علیه السلام خطاب به جاثلیق فرمود: ای نصرانی، هرگاه ادله ای را که برای اثبات مطلب خود بیان کنم بر پایه انجیل استوار باشد آیا به درستی بیانات من اعتراف خواهی کرد؟ جاثلیق گفت بدیهی است به درستی آنها اقرار خواهم کرد. (توحید شیخ صدوق، ص ۴۲۰، باب ۶۵). و (عیون الاخبار الرضا (ع)، ص ۱۲۹). شخصیت حضرت رضا (ع) به گونه ای است که حضرت صادق (ع) که خود رئیس مذهب جعفری است، در مورد ایشان به فرزند خود موسی بن جعفر می فرماید: عالم آل محمد (ص) در نسل توست، ای کاش او را درک می کردم. (علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق)

### نتیجه

با توجه به مطالب بیان شده در متن پژوهش، می توان به این جمع بندی رسید که با استناد به آیات مبارکه قرآن و روایات متعدد معصومین علیهم السلام در مرحله ی اول و سپس سیره مستمره ی معصومین (ع) چه در دوران زمامداری شان و چه در غیر آن وسعت نگاه اسلام در مواجهه ی با اقلیت های دینی موجود در جامعه اسلامی بی بدیل و مثال زدنی است. همانطور که قبلا بیان گردید سیره حضرت رسول اکرم (ص) که خود پیامبر مهربانی و رحمت نام گرفته و خصایص والایش زبان زد مسلم و غیر مسلم گشته است، این بود که حقوق همه ی افراد جامعه ی تحت حکومتش را مراعات نموده و به دستور قرآن با همه ی اقشار چه مسلم و چه غیر مسلمانی که به عنوان ذمی در جامعه اسلامی زندگی می کند به عدالت رفتار نماید. این نگرش پیامبر در زمان حکومت امیر مومنان علی (ع) نیز ادامه یافت و سیره ی عموم معصومین (ع) نیز بیانگر این

اصل مهم می باشد که حضور اقلیت های دینی در یک جامعه اسلامی تحت حکومت قرآن و دین مبین اسلام، نه تنها نباید خطر و نا مبارک تلقی گردد؛ بلکه می تواند با رعایت همه جوانب و دقت کافی در عمل به دستورات اسلام و با رفتار هوشمندانه موجبات اتحاد و همبستگی مسلمانان را فراهم آورد و از این ظرفیت مهم نهایت استفاده را برد. و از آن بالاتر اینکه چه بسا بشود با بذل محبت و اخلاق حسنه، بتوان نظرات آنان را در مسائل اعتقادی به اسلام نزدیک نمود. البته این امر تا زمانی محقق می گردد که آنان دست به توطئه و خیانت به جامعه اسلامی نزنند و قصد سوء استفاده از اعتماد حاکمان اسلامی نداشته باشند که در این صورت لازم است با قدرت درمقابل آنان ایستاد. نهایتاً این سیره‌ی معصومین (ع) می تواند به عنوان الگوی نیکویی در بین زمانداران کنونی دولتهای اسلامی نهادینه گشته و اجرا شود.

#### منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن سعد، محمد؛ ۱۹۶۸، الطبقات الکبری، بیروت، ج ۲، ص ۴۰ و ۴۷، دارصدر.
۵. ابن هشام، عبدالملک؛ ۱۴۲۴ق، سیره النبوی، بیروت، دارالمعرفه، ج ۲، ص ۱۴۹.
۶. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، ۱۳۸۶ق، شرح نهج البلاغه، ج ۱، چ ۲، بیروت: دارالاحیاء الکتاب العربی.
۷. ابن سعد، محمد بن سعید، ۱۴۰۵ق، الطبقات الکبری، ج ۱، بیروت: دارصدر.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۹ ق، البدایه و النهایه، ج ۵ و ۶ و ۸ بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹. ابویوسف قاضی، ۱۳۹۶، الخراج، قاهره للمطبعه السلطیه، ص ۱۳۵.
۱۰. ابویوسف قاضی، ۱۳۹۹ق، یعقوب بن ابراهیم، الخراج، بیروت: دارالمعرفه.

۱۱. امام خمینی رحمه الله، روح الله، ۱۳۷۹، تحریر الوسيله، ج ۲، ص ۵۰۴. دارالعلم.
۱۲. امامی، محمد جعفر و آشتیانی، محمد رضا، شرح و ترجمه نهج البلاغه، چاپ دهم، ج سوم، نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر، ص ۱۴۱
۱۳. بخاری، محمد اسماعیل، ۱۲۸۶، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۲۸، فی الجنائز، باب (من قام لجنازه یهودی).
۱۴. بویس، مریمی، ۱۳۸۵ ش، زردشتیان باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسگر بهرامی، تهران: ققنوس.
۱۵. ترنبری، پاتریک، ۱۳۷۹، حقوق بین الملل و حقوق اقلیت ها، ترجمه علی اکبر آقایی و آریتا شمشادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۴۷.
۱۶. جرداق، جرج، ۱۳۷۹، امام علی صدای عدالت انسانی، ترجمه هادی خسروشاهی، ج ۱ و ۴، تهران: نشر سماط.
۱۷. جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۳، اصول حکمت سیاسی اسلام، چاپ دوم، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ص ۳۲۷.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۴، وسائل الشیعه، ج ۳ و ۱ و ۱۵ و ۱۸ و ۲۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۳، الحیات، ترجمه احمد آرام، قم، دلیل ما.
۲۰. خفاجی، شندی، ۱۳۷۸، حقوق اقلیت ها در حکومت اسلامی، ترجمه مهدی حسینیان، حکومت اسلامی، سال چهارم، ش. سوم، ص ۱۰۶.
۲۱. ذاکری، علی اکبر، ۱۳۸۷، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۲. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۱ ش، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۳. شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۴ ق، غایه المراد، قم مرکز الابحاث، ج ۱، ص ۴۹۹.

۲۴. شیخ صدوق، محمد ابن علی، توحید، ص ۴۲۰، باب ۶۵، عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۲۹
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۱، المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانی، ج ۵، ص ۳۷۹.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷، المبسوط، ج ۶، ص ۱۸۲، مکتب المرتضویه، تهران.
۲۷. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۰، حقوق اقلیت ها، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۲۲۴.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۱، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، چهارم، بیروت، دار صعب-دارالتعارف،
۲۹. مجلسی، علامه محمد تقی، ۱۴۰۳، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۵۶، باب ۱۰۵، ج ۶، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.
۳۰. نجفی، محمدحسن بن باقر، ۱۹۸۱، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، ۱۳۵۸، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، بیروت: دارصادر

## **The Masoumins Historical Way in the face of religious minorities**

**Mohammad Mehdi Shaghghi**

Ph.D. student of Islamic theology and Islamic law, Khorasgan Branch ,Islamic Azad University, , Isfahan, Iran.

**Jawad Panjehpour (Responsible author)**

Member of the faculty Islamic jurisprudence and Islamic law ,Khorasgan Branch, Islamic Azad University , Iran, Esfahan.

**Ahmad Abedini**

Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

### **Abstract**

One of the tasks of the Islamic state is to recognize the rights of its own sovereignty and to institutionalize its implementation.

The Islamic State, as a rational state, has guaranteed the people's rights from the outset. Of course, this is a way to the extent that individuals, by their actions and actions, will not be deprived of this salary. Since the rights of human beings, especially religious minorities in a society and Islamic state, are of particular importance from the point of view of religion, scholars, researchers and historians have examined it in different ways. The Prophet of Islam (p.h) also attaches particular importance to the religious minorities existing in the Islamic society in their behavior and behavior and has shown admirable respect for themselves, and this can undoubtedly be a good model for Muslims.

History has been well recorded with the behavior of the Prophet (p.h) and Amir Mo'mnan Ali (p.h) with religious minorities who lived under their rule and rule. Therefore, observing the behavior and policies of the Prophet (p.h) and the Prophet (p.h) , the message of Islam can be understood that each person can choose any belief with his own accord. However, to Allah Almighty, only religion is the religion of Islam.

Considering the numerous historical examples illustrating this fact, the present study seeks to examine the history of the innocent family in the face of religious minorities.

**Key words** : sire . innocent . religious minorities . government.